

به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.

عزیزی بانک  
Azizi Bank

www.azizibank.af 1515

مشرانو جرگه:  
حکومت دې د کابلوف څرگندونو  
په اړه روښانه دریغ غوره کړي

صفحه ۶

سند  
به دستان بی واسطه

صفحه ۳

نماینده یونسکو در کابل:  
یازده میلیون  
نفر قادر  
به خواندن،  
نوشتن و شمار  
کردن نیستند

صفحه ۶



## در جریان پروژه حفظ و مراقبت و کاریابی (MCG)

کدام دستیار بزرگتر ندارم که درکارها یاری ام نماید. من به کسب روزی یک چاشت خود قادر نبودم. برای پیدا کردن یک لقمه نان به چندین ولایت سفر کرده و مشکلات زیادی را متحمل شده بودم، ولی بازم نتوانستم خوراک عادی خانواده خود را بدست بیاورم.

مگر الحمد لله، حالا که من و اهالی دیگر قریه درپروژه حفظ و مراقبت کارکردیم، هم مصارف ماه مبارک رمضان و هم خرج عید ما تدارک شد. دیگر اینکه خانم به مرض قلبی دچار است، باهمین پول توانستم معاینات او را هم به انجام برسانم. لذا مختصر گفته میتوانم که پروژه حفظ و مراقبت درقسمت صحتی و اقتصادی فامیل من و بازسازی و انکشاف تمام قریه، اثر بسیار مثبت به جا گذاشته است. مثلاً درقدم اول، سرک قریه ما تا آن حد تخریب و ویران شده بود که امکان عبور و مرور موتر در آن به آسانی، میسر نبود. مردم و موترها به مشکل زیاد از این سرک عبور میکردند و ماهیچ وقت به داکتر، کلینیک، مکتب، بازار و یا غم و شادی خود به موقع رسیده نمیتوانستیم. همچنان محصولات زراعتی ما نیز به موقع به بازار نمیرسید، اما حالا خوشبختانه تمام مشکلات ما از ناحیه سرک رفع شده است.

عبدالرازق یکی از موسفیدان و متغذین قریه مذکور که (۵۰) سال عمر دارد درزمینه میگوید:  
« زمانیکه سرک ما ترمیم نشده بود، از سرک عمومی تا قریه، کرایه موتر یکنفر را (۴۰) افغانی پرداخت میکردیم. اما اکنون فی نفر (۲۰) افغانی کرایه موتر می پردازیم. ما همه اهالی قریه از حکومت وحدت ملی و خاصاً از وزارت احیا و انکشاف دهات تشکر میکنیم که برای ما زمینه کار و کسب معاش را فراهم میکند، سرک ها، کانالها و پروژه های زیر بنایی دیگر برای ما میسازد. از مراجع مربوط خواهشمندیم اینگونه پروگرام ها را که از یکسو تاحدودی جلو مسافرت جوانان را به مناطق دیگر و کشور های خارجی میگیرد و ازجانبی هم یگانه سبب صلح و آرامی درکشور رماست، بیشتر از این، ازدیاد بخشند.»

وزارت احیا و انکشاف دهات به منظور بهبود زنده گی روستاییان و کاهش میزان بیکاری و فقر درولایات مختلف کشور، پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی را به راه انداخته است که از برکت آن تعداد زیادی از هموطنان بی بضاعت و بیکار ما به کار های سالم و مناسب دست یافته و از رهگذر اقتصادی نیز درزنده گی آنان تغییر قابل توجهی به میان آمده است.

درجریان تطبیق پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی، این پروژه درننگرهار زیبا و همیشه بهار نیز راه یافت و مردم شریف این ولایت هم توانستند که از مزایای این حرکت ارزشمند و مردمی بهره ببرند.

این پروژه حفظ و مراقبت، عبارت از ترمیم سرک و کانال است که اکنون درروستای جلوان، یکی از قریه های ولسوالی سرخورد ولایت ننگرهار به پایه اكمال رسیده و درحدود (۴۴۸) خانواده از مزیت های آن مستفید گردیده اند.

اضافه باید کرد که تطبیق این پروژه درحدود (۶۴۰۰۰) افغانی هزینه برداشته و به تعداد (۶۵) تن کارگرماهر و (۱۳۴۰) تن کارگر غیر ماهر به کارگماشته شده اند که این تعداد جمعاً به (۱۴۰۵) تن کارگر ماهر و غیر ماهر میرسد.

با تطبیق پروژه حفظ و مراقبت و کاریابی برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، سهولت های عمده ترانسپورتی برای باشندگان قریه مذکور ایجاد شده تا روستاییان بتوانند، محصولات زراعتی شان را به آسانی و درزمان اندک به بازار عرضه نمایند. همچنان فاصله میان قریه ها و مرکز ولسوالی سرخورد با ترمیم سرک یاد شده، کوتاهتر شده است و مردم میتوانند از سهولت های زنده گی شهری بهره مند شوند. محمد نسیم یکی از باشندگان قریه جلوان که (۴۲) سال عمر دارد، چنین میگوید:

«درقریه ما تقریباً (۸۵) فیصد مردم، بیکار بودند که ازآنجمله یکی هم من خودم بودم. من متکفل و سرپرست دوازده سر عیال هستم. وضعیت اقتصادی من تا آن حد درسطح پایین بود که هیچ گفته نمیتوانم. زیرا، من





احمد عمران

# مشورت خواهی های فریبنده ارگ

## پیرامون انتخابات



نهادها بگذرد. اما در افغانستان سنتی، یک نهاد غیررسمی دیگر نیز وجود دارد که هر چند در چهارچوب قانون و نهادهای رسمی قرار ندارد ولی قدرت و توانایی مشروعیت بخش آن، کمتر از نهادهای پر قدرت دولتی نیست و آن، رهبران جهادی و شخصیت های سیاسی اند.

ارگ از این نهاد همواره برای پوشش دادن فعالیت هایایی استفاده کرده است که به گونه یی از پیامدهای آن هراس داشته است. حالا هم وقتی بحث انتخاب اعضای کمیسیون های انتخاباتی بر اساس فهرست کمیته گزینش مطرح شده، ارگ ریاست جمهوری برای این که خود را از پیامدهای جنجالبرانگیز آن تا حدی مصون نگه دارد، با دعوت رهبران جهادی و چهره های سیاسی در ارگ تلاش کرده که نشان دهد به تمام نگرانی ها در خصوص گزینش اعضای کمیسیون های انتخاباتی توجه صورت گرفته و کمیسیون های انتخاباتی به مدیرانی سپرده خواهند شد که در مورد آنها قبلاً مشوره های لازم صورت گرفته است.

اما مسلماً مشکل انتخابات و گزینش اعضای کمیسیون های انتخاباتی این نیست که با کسی در موردشان مشوره صورت نگرفته است، بل مشکل انتخابات کشور این است که ارگ ریاست جمهوری و برخی نهادهای دیگر تلاش دارند یک بار دیگر کمیسیون هایی را بسازند که دستشان در کار مداخله در آنها کاملاً باز باشد. نگرانی اصلی این جاست که ما یک بار دیگر در افغانستان شاهد یک انتخابات سراسر تقلب و بحران باشیم. هر چند هنوز چندان معلوم هم نیست که واقعاً به زودی انتخابات در کشور برگزار خواهد شد و یا خیر، ولی این نگرانی می تواند پا برجا باشد که ارگ به هیچ صورت نمی خواهد از مسایل انتخاباتی خود را به دور نگه دارد و فاصله خود را با نهادهای مستقل به گونه قانونی حفظ کند.

شرایط کمیسیون های انتخاباتی برابر بوده اند. به باور این منتقدان، اگر نهاد ریاست جمهوری نمی خواست که در کار انتخابات دخالت داشته باشد، بدون شک فهرست ارایه شده از سوی کمیته گزینش به این نهاد، چیز متفاوتی با فهرست فعلی می بود.

در همین حال، چند شب پیش ریاست جمهوری شماری از شخصیت های مطرح سیاسی و جهادی کشور را به ارگ دعوت کرد که پیرامون مسایل انتخاباتی با آنها رای زنی و گفت و گو کند. ظاهراً هدف اصلی این مهمانی، گرفتن تأیید رهبران جهادی و شخصیت های مطرح سیاسی در مورد اعضای کمیسیون های انتخاباتی بوده است تا اگر فردا ارگ ریاست جمهوری به مشکلی از این ناحیه مواجه شد، حداقل بخشی از مسوولیت آن را به گردن شرکت کننده گان این مهمانی بیندازد.

تعدادی از مهمانان، از رفتن به این مهمانی به دلایل نامعلوم اجتناب کرده بودند. یکی از این میان، عبد رب الرسول سیاف از چهره های جهادی و رییس شورای حراست و ثبات بود. سخنگوی این شورا پس از آن گفت، وقتی ارگ ریاست جمهوری در مورد ترکیب کمیته گزینش با آنها مشوره نکرده است، مشوره در مورد فهرستی هم که این کمیته تهیه کرده، بیهوده است.

البته مشوره در مورد مسایل مهم کشوری هیچ جای نگرانی ندارد، ولی ارگ ریاست جمهوری همواره از چنین نشست هایی بهره برداری های غیرقانونی کرده است. چه در زمان زمامداری حامد کرزی و چه در زمان فعلی، همواره ارگ ریاست جمهوری از برگزاری این نوع نشست ها و مهمانی ها، استفاده سیاسی کرده است. زمانی اگر حامد کرزی با مشکلی جنجالبرانگیز روبه رو می شد، فوراً در ارگ مهمانی برگزار می کرد و به نحوی فعالیت های فراقانونی خود را پوشش قانونی می بخشید. در حالی که نهادهای قانونی در کشور کاملاً مشخص اند و همه چیز باید از مجاری همین

نگرانی ها نسبت به گزینش اعضای کمیسیون های انتخاباتی و برگزاری انتخابات آینده از همین حالا بالا گرفته است. هر چند کمیته گزینش حدود یک ماه روی تهیه و ترتیب فهرست نامزدان کمیسیون های انتخاباتی کار کرد و سرانجام این فهرست را به ریاست جمهوری فرستاد، اما حالا نهادهای ناظر بر انتخابات روند کاری کمیته گزینش را شفاف ندانسته، می گویند فهرستی که به ریاست جمهوری فرستاده شده، همان چیزی است که این نهاد به کمیته گزینش دیکته کرده بود.

به گفته این منتقدان، ریاست جمهوری به صورت سیستماتیک در کار کمیته گزینش نفوذ کرده و کسانی را وارد فهرست نامزدان کمیسیون های گزینش کرده است که از قبل میان این نهاد و اعضای کمیته گزینش توافق شده بود. این ادعا از سوی اعضای کمیته گزینش رد شده و آنها گفته اند روند کاری آنها کاملاً قانونی بوده و هیچ نفوذ و مداخله یی در کارشان از سوی هیچ نهادی صورت نگرفته است؛ چیزی که کمتر در افغانستان می تواند مورد تأیید قرار گیرد.

به گفته اکثر منتقدان دولت، رییس جمهوری و برخی مقام های نزدیک به او همواره در کار دیگر نهادها دخالت داشته اند و گمان نمی رود که کمیته گزینش از این نوع مداخله ها در امان مانده باشد. به گفته این منتقدان، فهرست ارایه شده به ریاست جمهوری از سوی کمیته گزینش کاملاً بر این ادعا صحه می گذارد. به گفته آنها اکثر افرادی که از سوی کمیته گزینش واجد شرایط احراز راه یافتن به کمیسیون های انتخاباتی شده اند، نه تخصص در این عرصه دارند و نه هم تجربه؛ در حالی که در میان بیشتر از هفتصد درخواست کننده شمولیت در کمیسیون های انتخاباتی، افرادی بوده اند که هم از نظر تخصصی و هم از نظر تجربه کاری در انتخابات کاملاً با

## سخن ماندگار

### مبارزه با فساد یا بازی با فساد؟

اگر از هر کارشناس و آگاه اموری پرسیده شود که بزرگترین مشکل در دولت افغانستان چیست، بی هیچ تردیدی پاسخ خواهد گفت: «فساد»

از آنجا که فساد به یک پدیده عریان و انکارناپذیر در همه سطوح جامعه تبدیل شده و همه شهروندان کشور به نحوی از آن زخم خورده و می خورند، مبارزه با فساد نیز به یک شعار دلچسب برای سیاستمداران افغانستان بدل گشته است؛ چنانکه هر وزیر و رییس و مدیری در آغاز کار وعده مبارزه با فساد را به مردم می دهد و از همین مجرا چند صباحی برای خود اعتبار و منزلت می خرد، اما عاقبت کار همانی است که ما بارها دیدیم و پیشیدیم: «فساد در مبارزه با فساد»

آقای کرزی رییس جمهور پیشین که خود قهرمان میدان فساد و بی نظمی در کشور به شمار می آمد، بیش از همه ادعای پاکدامنی و داشتن اراده برای مبارزه با فساد را داشت. اصلاً به یمن فعالیت های فسادآلود اعضای خانواده آقای کرزی و نیز دوستان و رفقای تیمی اش در درون نظام بود که افغانستان هر سال رکورددار فساد در جهان می شد و روسیاهی بی بزرگ به مردمش می خرید. در زمان آقای کرزی نهادها و کمیسیون های پرهزینه یی زیر شعار مبارزه با فساد و یا بررسی قضایای مرتبط با فساد تشکیل شدند؛ نهادهایی که اعضایش معاش و امتیازات عالی داشتند اما نتیجه کارشان نه تنها «هیچ» بود که خود نیز با ورود به چرخه فساد، این پدیده را فربه تر از گذشته ساختند. رویکرد آقای کرزی در مبارزه با فساد، رویکرد شعار و فریب بود!

آقای غنی رییس جمهور دولت موجود نیز به رغم همه شایعات و ادعاها پیرامون متفکر و اکادمیک بودنشان، در زمینه مبارزه با فساد به سنت سلف خویش حامد کرزی اقتدا کرده است. او در روز آغاز حکومت داری اش، با طمطراق فراوان برخی از پرونده های بزرگ فساد مالی مانند قضیه کابل بانک را بازگشایی کرد، اما در نهایت امر همان کسانی را محاکمه و مکافات نمود که پیش از او نیز محاکمه آنان را گنهگار ثابت نموده بود. یعنی عدالت آقای غنی نتوانست گریبان مفسدان بزرگ و زورمندی را بگیرد که محاکم زمان آقای کرزی نتوانسته بودند از آنها بازپرسی و قرار قضایی لازم را صادر کنند.

آقای غنی چند ماه پیش - همانند آقای کرزی که روزی اداره عالی مبارزه با فساد را بنیان گذاشته بود - طی فرمانی، مرکز عدلی و قضایی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری را ایجاد کرد تا وعده دولت در زمینه مبارزه با فساد اداری عملی گردد. اما اکنون پس از گذشت این همه مدت می بینیم که این مرکز نیز به همان راهی روان است که سایر نهادهای مبارزه با فساد در گذشته روان بودند. این مرکز که بر اساس صحبت های آقای حمیدی دادستان کل کشور قرار بود چراغی پرنور در شبستان فساد بی فروزد، در نخستین جلسات محاکمه اش، مفسدان دانه درشت را و نهاده و به محاکمه فسادانی همت گمارده که تأدیب و تعذیب آنها هرگز نمی تواند چرخه غول آسای فساد در کشور را متوقف سازد. وقتی ما اختلاس گران میلیاردی و رشوت گیران میلیون دالری داریم و اکثریت آنها نیز «مقام امن و می بی غش و رفیق شفیق» در ساختار حکومت دارند و با هر فعالیت شان می توانند تکانی تندتر و ویرانگرتر بر گردونه فساد وارد آورند، محاکمه سارنوالی که به اخذ پنجاه هزار دالر رشوه متهم است توسط مرکز عدلی و قضایی، نه تنها اولویت مبارزه با فساد نیست، بلکه نمایش ضعیف کشی در مبارزه با فساد و پروراندن مفسدان زورمند در دامن حکومت و در نهایت، فساد در مبارزه با فساد است.

همه می دانیم که سیر فساد در افغانستان از بالا به پایین است و مفسدان کوچک در سطوح پایینی دولت و جامعه توسط مفسدان بزرگ تر در سطوح بالایی حمایت می شوند و از آنها خط و جهت می گیرند. اگر دولت به راستی اراده مبارزه با فساد را دارد، می تواند با محاکمه و مجازات مفسدان دانه درشت، زنجیره فساد را از رأس قطع کند و دامن فسادهای کوچک و کوچک تر را بدون زحمت از افغانستان برچیند. اما تا وقتی که اختلاس گران کلان و مفسدان نام آور، همه نازدانه های رییس جمهور و یا معاف از پیگرد قانون باشند، به جای مبارزه با فساد باید شعار «بازی با فساد» را سر داد و هرگز امیدی دروغین را در دل های کباب شده از فساد برنیفروخت.



# سند به دستان بی واسطه

## مجلس سنا سند دهلیز ترانزیتی افغانستان را امضا کرد



عزیز نیک‌یار، یکی دیگری از دانشجویان در آستانه فراغت است که موجودیت فساد، قوم‌گرایی و سیاست‌های قومی و سمتی از جمله پدیده‌های می‌داند که روند اشتغال‌زایی سپردن کار به اهل کار را کند کرده است.

در همین حال، با مطرح شدن نبود زمینه شغلی برای دانش‌آموختگان، کارشناسان از نبود پلان درست آموزشی و کاری حکومت انتقاد می‌کنند.

علی کاوه، استاد دانشگاه هرات می‌گوید: در پیوند به این‌که چقدر نیروی آموزش دیده مشخصا از چه رشته‌های وارد بازار کار می‌شود و به تناسب آن چگونه زمینه کاری را برای شان ایجاد کند، برنامه مشخصی از سوی دولت وجود ندارد.

آقای کاوه می‌افزاید: «نه تنها ایجاد نشدن زمینه اشتغال‌زایی، نکته دیگر این است که رابطه مستقیمی بین بازار کار و نیروی آموزش کرده وجود ندارد که این مشکل بیشتر به وزارت تحصیلات عالی بر می‌گردد که نیروی آموزشی متناسب به بازار کار تولید نمی‌شود».

نبود نظام شبانه‌سالاری و مشخص نبودن حوزه کاری در افغانستان نیز از بحث‌های است که این استاد دانشگاه هرات به آن اشاره می‌کند. او هم‌چنان می‌افزاید: «در بعضی از ارگان‌های دولتی هرچند زمینه کار مساعد است، اما نیروی کار واجد شرایط آن وجود ندارد. به طور مثال در دانشگاه‌ها صدها بست به اعلان می‌رود، اما چون اکثر دانش‌آموخته‌گان کارشناسی ارشد ندارند، نمی‌توانند صاحب کار شوند.

که دولت در این قبال نیز مسوولیت دارد تا زمینه ایجاد زمینه آموزشی حداقل تا مقطع کارشناسی ارشد را برای جوانان فراهم سازد».

با توجه به وضعیت موجود بیکاری، آقای کاوه این باور است که نبود کار به ویژه برای قشر آموزش کرده، بحران خطرناکی را به دنبال دارد:

«افزایش بیکاری به خصوص یأس و نومیدی که از آموزش و به کار نیامدن آموزش دوره لیسانس برای وارد شدن به حوزه کار، انگیزه آموزشی در بعضی افراد را کم می‌کند و هم‌چنان سبب فقر و گسترش انحرافات و افراط‌گرایی و نابسامانی‌های دیگری خواهد شد».

کمبود اشتغال‌زایی و زمینه کار برای افراد که دارای سند کارشناسی هستند در حالی مطرح می‌شود که سال گذشته سیلی از جوانان به این دلیل دل به سواحل کشورهای اروپایی زدند و راه مهاجرت را پیش گرفتند. بخش زیادی از این جوانان نیز شاید به دلیل این‌که موفق نشدند به کشورهای اروپایی مهاجرت کنند، معتاد به مواد مخدر شدند و حتا شمار دیگری به صفوف گروه‌های مخالف دولت می‌پیوندند. دیده شود که بحران بیکاری دانش‌آموخته‌گان این کشور را به کجا خواهد کشید.

صورت یکسان رخنه کرده است. خلیل الرحمن شریفی فارغ‌التحصیل دانشکده طب معالجی نیز از جمله تعداد کثیری از دانش‌آموخته‌گان از نبود کار در عرصه پزشکی سخن می‌زند. او می‌گوید: «با تحمل هفت سال دشواری که بازهم زمینه شغل فراهم نشود، مضحک است که کسی با توجه به مشکلات اقتصادی دوست بدارد که دنبال رشته آموزشی برود».

خلیل الرحمن از چندین جا نام می‌برد که دنبال شغل رفته است، اما با پشت سرگذرانیدن امتحان ورودی و طی مراحل، کارش به جای نرسیده است: «از جمله چندین مکان، یکی ریاست صحت عامه کابل بود... روز نخست که می‌خواستم برای گرفتن فورم شغل بروم، نگاهان دروازه از من پرسید که آیا واسطه داری یا نه؟ وقتی گفتم نه، لیخندی زد و گفت: خودت را سرگردان نکو برادر؛ تا واسطه نداشته باشی، ده‌ها فورم هم که بگیري، کار و باری وجود ندارد».

خلیل الرحمن که حالا می‌توان به او پزشک گفت تصمیم دارد که دکان لباس فروشی لیلومی در کابل باز کند تا شاید بتواند هزینه مصرف زنده‌گی بخور نمیر را به‌دست بیاورد.

فهرست جوانان دانش‌آموخته بیکار در افغانستان به علی‌رضا، هاشم، نوید و خلیل الرحمن خلاصه نمی‌شود؛ همه ساله از میان هزاران جوانی که از دانشگاه‌ها فارغ می‌شوند، شمار محدودی استند که یا به واسطه وابسته‌گی‌های قومی، سمتی، یا با پرداخت پول و رشوه و به یا - به ندرت - با خوش‌شانسی می‌توانند در ارگان‌های دولتی به کار مشغول شوند، بقیه همه چشم دوخته‌اند به سرنوشتی که روشن نیست.

نگرانی جدی دانشجویان در آستانه فراغت بیکاری و نبود اشتغال‌زایی به ویژه برای قشر آموزش کرده نه تنها که فارغ‌التحصیلان را به ستوه آورده، بل در سویی دیگر، دانشجویان در آستانه فراغت را نیز به شدت نگران کرده است. این دانشجویان می‌گویند برای فراغت از دانشگاه و صاحب کار شدن بی‌قرار استند، اما با ختم دوره آموزشی آنان نیز اگر جریان همین باشد که هست و آنان نیز به فهرست بیکاران جامعه افزوده شوند، دیگر هیچ امیدی از حکومت و دولت نخواهند داشت.

عصمت رسولی یکی از دانشجویانی که در آستانه فراغت قرار دارد، می‌گوید: «پست‌های کاری در ادارات دولتی بیشتر به یک لورژ خانواده‌گی می‌ماند و کار به اساس ضوابط نه روابط سپرده می‌شود و این می‌تواند تأثیرات منفی فراوانی را برای جوانان به دنبال داشته باشد که با درجات عالی و تخصص بسیار خوب از رشته‌ها فارغ می‌شوند، اما بنابر نداشتن روابط صاحب شغل نمی‌شوند».

سپری شدن امتحان دشوار کانکور و راه‌یابی جوانان افغانستان به نهادهای دانشگاهی، همواره با دشواری و سرگردانی همراه بوده است تا دانشجویان سند به دست آورند و از با استفاده از اندخته‌های چهارساله‌شان هم زمینه کار برای‌شان فراهم شود و هم خدمتی به مردم کنند، اما با گذشت هرروز نه تنها که زمینه کار و اشتغال‌زایی برای افراد کم‌سواد و بی‌سواد، بل برای قشر دانش‌آموخته این کشور نیز تنگ‌تر می‌شود.

هم‌اکنون شمار زیادی از دانش‌آموخته‌گان رشته‌های مختلف از دانشگاه‌های دولتی و خصوصی کشور در پشت درهای نهادهای دولتی و خصوصی صف کشیده‌اند تا شغلی به‌دست آورند و از زحمات آموزشی خود بهره‌یابی ببرند؛ اما درحالی که همه ساله به شمار این صف اضافه می‌شود، اما درها هم‌چنان بسته و اشخاص سرگردان باقی می‌مانند.

علی‌رضا عطایی، یکی از دانش‌آموخته‌گان دانشکده خبرنگاری است. او می‌گوید، انتظار داشت پس از ختم دانشگاه بتواند مشکلات اقتصادی خانواده‌اش را حل کند، اما بعد از فراغت دچار مشکل تازه‌ی شده است. او می‌افزاید: «به دلیل این‌که واسطه نداشتم، نهادهای دولتی درخواستم را رد کردند و نهادهای خصوصی نیز به دلیل این‌که سندهای فراغت‌مان موقت است، بهانه می‌گیرند».

این دانش‌آموخته رشته خبرنگاری که اکنون مصروف فروش لبنیات است، بیان داشت: برای این‌که چرخه اقتصادی خانواده‌ام از کار نیفتد، ناگزیر شدم از دوستانم برای بازکردن این دکان پول قرض کم.

هاشم کبیری، جوان دیگری است که اسمش به فهرست فارغ‌التحصیلان بی‌کار شهر کابل افزوده شده است. او از رشته اقتصاد-تصدی دانشگاه کابل فارغ شده است. هاشم می‌گوید، تا به حال به پیش از پنج نهاد درخواست کار داده است، اما تنها در یک مرکز تجارتي خصوصی درخواست او قبول شده است که آن را نیز به دلیل پول ناچیز ترک گفته است. او گفت: «به هر جایی که درخواست کار دادم، بی‌درنگ رد شده است و دلیلش هم وجود فساد اداری و نداشتن واسطه است».

نوید عزیزی سومین دانش‌آموخته‌ی است که در صحبت با ماندگار از نداشتن شغل شکایت دارد. او که از دانشکده اقتصاد - ملی دانشگاه بلخ سند فراغت به دست آورده، می‌گوید: «اگر می‌دانستم که با ختم دوره آموزشی، بازهم زمینه شغل فراهم نمی‌شود، لازم نبود که دوره دشوار دانشجویی و دوری از خانواده (خانواده وی در پروان زندگی می‌کند) را تحمل کنم».

این دانش‌آموخته اقتصاد نیز از وجود فساد اداری در ادارات دولتی سخن می‌گوید. به نظر می‌رسد که کمبود زمینه‌های شغلی به تمامی عرصه‌ها و رشته‌های آموزشی به



و پس از امضای این تفاهم‌نامه، صادرات این کشور به‌گونه چشم‌گیر به هندوستان افزایش خواهد یافت.

گفته شده است که چابهار به دلیل نزدیکی با افغانستان و نقطه اتصال کشور به آب‌های آزاد و تعرفه پایین هزینه‌های بارگیری، نگهداری، صادرات و واردات کالاها مورد توجه مقامات، تجار و بازرگانان داخلی و خارجی قرار گرفته است.

از سویی هم این بندر، به دلیل شرایط آب و هوایی اش قادر است در تمامی طول سال امکان انتقال کالا به آسیای میانه را فراهم کند. در کنار آن، یک شاهراه عمده که چابهار را به شاهراه قندهار - هرات متصل می‌کند، دو طرح ریلی نیز در دست اجرا قرار دارد که نخستین خط آهن که هندی‌ها ساخت آن را برعهده دارند بندر چابهار را به منطقه حاجی‌گک، متصل خواهد کرد. خط دوم که ایرانی‌ها سرگرم ساخت آن هستند، شهر هرات را به مشهد ایران متصل و از آن جا به سمت ترکیه ادامه خواهد یافت.

توافق‌نامه سه‌جانبه بندر ترانزیتی چابهار، با حضور روسای جمهور افغانستان - ایران و نخست‌وزیر هند به تاریخ ۳ جوزا سال جاری در تهران به امضا رسید.

به باور آگاهان اقتصادی، استفاده بهینه از فرصت‌های میان آمده در قرارداد چابهار که همواره یکی از دغدغه‌های حکومت افغانستان در امر انتقالات اموال بازرگانی افغانستان به بازارهای جهانی و دسترسی آسان‌تر به بنادر آبی بوده است، نه تنها باعث بهبود و توسعه اقتصادی افغانستان خواهد گردید، بلکه این مسیر ترانزیتی، فرصت آن را به حکومت افغانستان می‌دهد تا حتا المقدر از سیاست‌های خصمانه پاکستان فاصله گرفته و کمتر متأثر گردد و همین قسم با ایجاد میکانیسم‌های قابل اجرا به منظور رشد اقتصادی کشور را در بر دارد.

گفتنی است که هم‌اکنون افغانستان سالانه حدود ۸ میلیارد دالر واردات قانونی دارد ولی در مقابل تنها ۵۰۰ میلیون دالر کالاهای بازرگانی از کشور صادر می‌شود.

توافق‌نامه سه‌جانبه بندر چابهار که از آن به عنوان دهلیز ترانسپورتی و ترانزیتی بین‌المللی میان افغانستان، ایران و هند یاد می‌شود، از سوی مجلس سنا تایید شد.

این توافق‌نامه که دارای یک مقدمه و ۱۵ ماده می‌شود، در جلسه عمومی دیروز (یکشنبه، ۳۰ عقرب) مجلس سنا ارایه شد.

توافق‌نامه چابهار چندی پیش از سوی مجلس نماینده‌گان نیز با اکثریت آرا تصویب شده بود.

آگاهان اقتصادی به این باور اند که افغانستان کشوری وارداتی و محاط به خشکه است و انتقال اموال بازرگانی با استفاده از راه آبی و دریا، می‌تواند هزینه انتقال اموال را کاهش دهد و زمینه سرمایه‌گذاری در کشور را نیز افزایش دهد.

به گفته آگاهان، نا امن بودن مسیر ترانزیت بندر کراچی که همیشه مورد تهدید گروه‌های شورشی در مناطق مرزی بین دو کشور بوده است، از یک سو و آسیب‌پذیری مناسبات دو کشور از سوی دیگر، از مواردی که شمار می‌رود که می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ی استفاده از بندر کراچی به عنوان خط ترانزیت برای افغانستان را تحت شعاع قرار دهد و چابهار گزینه مناسب برای انجام این کار به شمار می‌رورد.

مسوولان در حکومت افغانستان نیز با شمردن سهولت‌هایی که بندر چابهار برای انتقال کالاهای بازرگانی ایجاد می‌کند، می‌گویند که استفاده از این بندر سبب می‌شود تا کالاهای مشترک به صورت ساده انتقال یابند.

مسافر قونندی سخنگوی وزارت تجارت و صنایع می‌گوید: استفاده مشترک از بندر چابهار، مثلاً کالای افغانستان از بندر چابهار به‌گونه ساده بسیار به وقت کم به هند صادر شود و برعکس کالاهای مورد نیاز افغانستان از هندوستان به این کشور بیاید و با استفاده از این بندر کالاهای هند از مجرای افغانستان و ایران به آسیای میانه راه پیدا کند. به گفته سخنگوی وزارت تجارت و صنایع: هندوستان یکی از شرکای صادراتی و وارداتی افغانستان بوده



**بخش دوم**

**۵- ضعف‌های شخصیتی خود را از بین ببرید**

هر کدام از ما عیب و ایرادهایی در شخصیت خود دارد. در شناخت عادات، ویژه‌گی‌های اخلاقی و به‌طور کلی شخصیت‌تان تلاش کنید. به نظرات دوستان و اقوام در مورد صفات اخلاقی خودتان گوش کنید. ضعف‌های خود را به تدریج از بین ببرید و نقاط قوت خود را تقویت کنید. به عنوان مثال اگر در زمینه کاری با مشکل مواجه هستید، سعی کنید هر روز بیش از روز قبل بر روی مسایل کاری تمرکز کنید.

**۶- متوجه رفتار خود باشید**

رفتار و گفتار شما در قبال دیگران تعیین‌کننده برخورد آن‌ها در قبال شما می‌باشد. شما یک تابلوی تبلیغاتی متحرک هستید که توجه همه را به خود جلب می‌کنید، پس بهتر است اخلاق خوب خود را به نمایش بگذارید. اگر این کار را نکنید، مردم از شما خوش‌شان نمی‌آید، شما را استخدام نمی‌کنند و با شما قرار ملاقات نمی‌گذارند. کارهای خوبی را که از والدین خود در کودکی آموخته‌اید، در زنده‌گی نیز به اجرا درآورید.

**۷- کار خودتان را انجام دهید**

کاری که تصور می‌کنید برای‌تان مناسب است انجام دهید، نه کاری که دیگران فکر می‌کنند انجام آن برای شما لازم است. به عبارت دیگر، در پی رسیدن به خوشی و سعادت باشید. هیچ‌گاه خودتان را با کسی مقایسه نکنید، به ویژه در مورد مسایل مالی برای این‌که ممکن است احساس نارضایتی کنید. کارهایی که همیشه آرزوی انجام دادن آن‌ها را داشته‌اید اما هیچ وقت انجام نداده‌اید را شروع کنید.

**۸- درست کار باشید**

یک فرد درست‌کار همیشه برای اصول اخلاقی، ارزش بیشتری نسبت به لذات و سودهای شخصی قایل است. کارمندان، همکاران، و خانم‌ها برای افراد درست‌کار ارزش بسیار زیادی قایل هستند. روی حرف خود بایستید و کاری را که فکر می‌کنید درست است، انجام دهید.

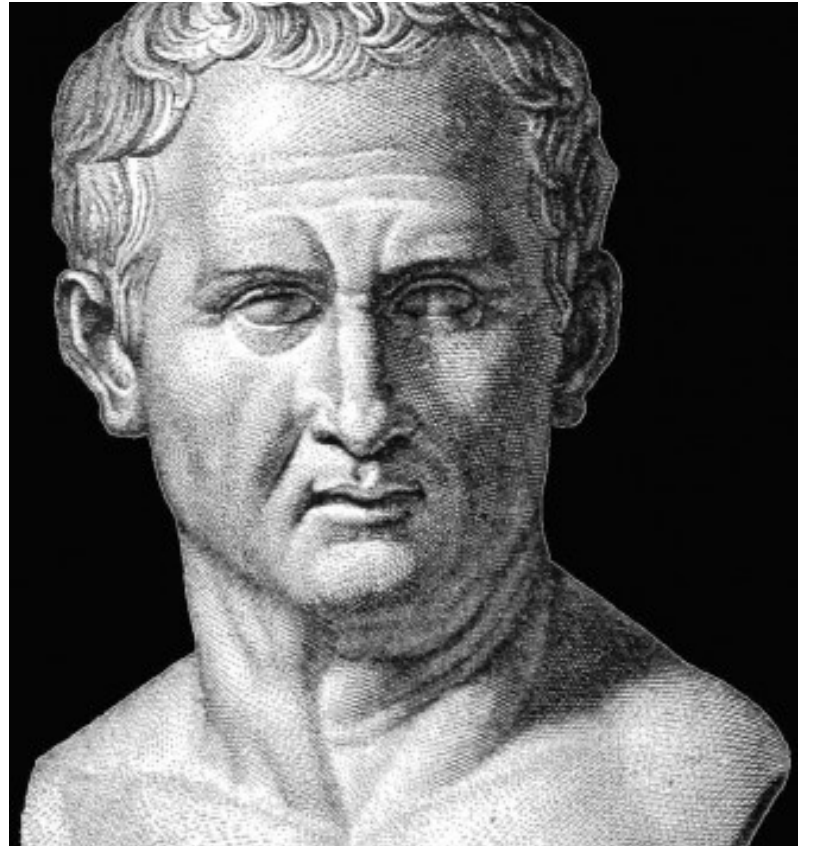
**۹- با اهداف‌تان روبه‌رو شوید**

افراد موفق از روسای شرکت‌ها گرفته تا ورزشکاران همه و همه دارای یک عادت ویژه هستند: هدفمندی و تلاش برای رسیدن به مقصود. بدون داشتن هدف و نقشه مناسب برای رسیدن به آن، زنده‌گی شما عادی شده و شادی و موفقیت ناچیزی را می‌توانید به‌دست آورید. برای خود اهداف روزانه، هفته‌گی، و ماهیانه تعیین کنید، سپس راه مناسب برای هر یک را طرح‌ریزی کنید و تمام تلاش خود را برای رسیدن به آن به‌کار بندید و از آن به عنوان راهی برای رسیدن به آرزوهای نهایی خود بهره بگیرید.

**هزاره برای تبدیل شدن به یک فرد بالغ و کامل**



# نگاه کوتاه به تفکر سیسرون



**میرعماد اشراقی**

مارکس تولیوس سیسرون در سال ۱۰۶ قبل از میلاد به دنیا آمد. آغاز زنده‌گی سیسرون مصادف بود با دوران استیلای رومیان بر یونان در قرن دوم قبل از میلاد. بنابراین او شاهد واپسین سال‌های جمهوری روم و ظهور قیصر بر مسند حکومت بود. در این عصر، آموزه‌ها و آرای رواقیان که با حوادث روزگار سنخیت و سازگاری بیشتری داشت و نسبت به دیگر مکاتب فلسفی، گسترش داشت. سیسرون از جمله کسانی بود که تلاش زیادی نمود تا فرهنگ و تعالیم فلسفی یونان را نزد رومیان بشناساند. وی نام‌دارترین و معروف‌ترین خطیب و سخنور روم قدیم به شمار می‌رفت و اعتقاد راسخی به سازمان‌ها و نهادهای سیاسی کهن روم و کارکرد آن‌ها در اجتماع داشت. او همواره در دفاع از طبقات متوسط جامعه می‌کوشید، چرا که خود نیز از طبقات پایین اشراف بود. در طول زنده‌گی سیاسی خویش به مبارزه با خودکامه‌گی خواه به نام اشراف و خواه توده مردم برخاست، ولی با این حال بیشتر تلاش‌ها و کوشش‌های او به نفع طبقات توانگر و بازرگانان رومی بود تا توده مردم ستمدیده یونان. نخستین فعالیت سیاسی - حقوقی او به عنوان وکیل مدافع در دادگاه آغاز شد. در این مدت که وی به شغل قضاوت مشغول بود، بیشتر فعالیت‌های خود را معطوف به اقدامات حقوقی نمود. وی تلاش نمود تا شکل‌های قدیمی قانون اساسی روم را زنده نگاه دارد، به‌خصوص تجاوزات استبدادی باعث از یاد رفتن این قوانین می‌گشت، ولی در این هدف خود کامیاب نبود. او همواره سعی کرد تا رسیدن سزار بر مسند قدرت را درک کند، ولی روزگار و اتمام حیات، این اجازه را به او نداد. سیسرون با رسیدن سزار به اوج قدرت مخالفت کرد، ولی موفق نشد، سزار بعد از رسیدن به مسند حکومت در اوج قدرت می‌توانست اقدامات مخالفانه سیسرون را تلافی کند، ولی گذشت و جوان‌مردی از خود نشان داد. پس از کشته شدن قیصر، سیسرون ضمن یک رشته نطق‌ها که به فیلپیک معروف بود، جانشین او، مارک آنتونی را تخطئه نمود و این بی‌احتیاطی به قیمت جاننش تمام گشت. در بررسی افکار سیاسی جهان باستان، بررسی مقام سیسرون به عنوان فیلسوفی که اندیشه‌ها و دیدگاه تازه و سنجدیه را در افکار سیاسی دنیای باستان مطرح ساخته، در خور توجه و بررسی است؛ ولی مهم‌تر از

واحد است که بر تمام هستی و تمام کاینات حاکم است. قوانین بشری نیز باید از قوانین طبیعی پیروی کنند. در واقع تمامی قوانین برای رستگاری و تأمین آرامش و صلح افراد و جامعه ابداع شده است و تنها می‌توان بر اصول و احکامی که جهت خوشبختی و سعادت و حفظ آرامش انسان‌ها تدوین شده‌اند، نام قانون را نهاد. بدین ترتیب در کلمه قانون، اندیشه جستن حقیقت و عدالت نهفته است. از دید سیسرون، عقل بشری در عالی‌ترین سطحش، انسان‌ها را به کارهای نیک و صالح دعوت کرده و از اعمال نادرست دور می‌کند، این درجه عقل از نظر وی، همان قانون است. در واقع عقل بشری تنها مزیتی است که انسان را از دیگر موجودات متمایز ساخته و او را قادر کرده تا نیک را از بد تمییز دهد. حیوانات به حکم غرایزی که در وجودشان نهفته است، کورکورانه از قوانین طبیعی اطاعت می‌کنند، ولی انسان فقط به حکم و فتوای عقل مطیع قوانین طبیعت است.

**نقد**

قانون طبیعت به شکلی که سیسرون از آن تعریف می‌کند، وضعی کاملاً متفاوت دارد، به این معنی که موجودات دارای عقل هیچ مجبور نیستند که خود به خود از آن اطاعت کنند. قانون طبیعی سیسرون فقط حدودی که موجودات انسانی به کمک عقل خود آن را درک و مفهومش را از روی اراده بر اعمال و حرکات خود تحمیل کنند، در رفتار و روش انسان‌ها موثر دانسته و آن‌ها را تابع نظم و ترتیب می‌سازد. اگر عقل آدمی انسان را در تشخیص تمییز و بد یاری می‌رساند و برای هدایت او به سوی عدالت و راستی کافی است، پس لزومی ندارد که وی از قوانین طبیعی تعدی نماید، چرا که این قوانین طبق تعریفی که سیسرون ارائه داده، قانون ازلی و ابدی هستند که انسان را به سوی رستگاری و درستی هدایت می‌کنند.

از دید او، قوانین کشور تا جایی سزاوار اطاعت است که با قانون طبیعی موافق باشد. قانون طبیعی چیزی نیست جز آنچه عقل آدمی فتوا می‌دهد، ولی عقل هر چند بالقوه در نهاد همه آدمی زاده‌گان وجود دارد، بالفعل در همه افراد به یک اندازه رشد نمی‌کند، از این‌رو انسان‌ها برداشت‌های متفاوتی از قوانین خواهند داشت، و این مساله، تعدی و عدم پیروی شهروندان از قوانین یک کشور را در پی خواهد داشت. فرقی عمده‌ی میان قوانین طبیعی سیسرون و قانون‌های طبیعت به مفهوم معاصر وجود دارد، سیسرون معتقد است که افراد می‌توانند از قوانین طبیعت، (با مراجعه به عقل و خرد خویش)، اطاعت نکنند، ولی در حال حاضر تمامی افراد ناگزیر از پیروی از قوانین طبیعی (مثلاً قانون جاذبه زمین) هستند.

سیسرون، وفاداری آگاهانه به شهر جهانی یعنی جامعه بشری را بلندپایه‌ترین رسم اخلاقی می‌داند و در عین حال تأکید می‌ورزد که وفاداری به میهن و زادگاه نیز احساسی پراج است؛ ولی میان این دو گونه وفاداری منافاتی نمی‌بیند، زیرا به نظر او تعهد فرد در برابر میهن خود از تعهد او در برابر جامعه بشری ریشه می‌گیرد. در واقع نوعی اختلاط و همراه‌کننده‌گی ذهن در فلسفه سیسرون وجود دارد.

**منابع:**

ابوالقاسم طاهری، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب. بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، حمید عنایت. خداوندان اندیشه سیاسی، مایکل فاستر، برگردان جواد شیخ‌الاسلامی. تاریخ تمدن، ویل دورانت، برگردان حمید عنایت.

آن، رشد و تحول تاریخی که از عهد حکمای باستان تا عصر سیسرون در زمینه تفکرات و اندیشه سیاسی در رساله‌اش بیان شده است. سیسرون در گزینش نظرات دیگران و نتیجه‌گیری از دیدگاه آنان وسعت نظر و بینشی خاص داشت و در اغلب آثاری که از خود به‌جا گذاشته، تأثیرات اندیشه‌های افلاطون و ارسطو مشاهده می‌شود. در رساله سیسرون، نظریات و دیدگاه‌های متنوعی در باب حکومت، دولت، سیاست، قوانین و حقوق وجود دارد، که در این مقاله به برخی از این مسایل پرداخته می‌شود. تعریف دولت

یک قلمرو ارضی مشترک، دارای مشترک یک ملت است. این ملت یا جمعیت هر مجموعه‌ی از موجودات بشری نیستند که به نحوی از انحاء دور هم جمع شده باشند، بلکه توده‌هایی انبوه هستند که به منظور اجرای عدالت درباره هم‌دیگر و تأمین خیر و صلاح عمومی به هم پیوسته‌اند. علت اصلی به وجود آمدن این‌گونه اجتماعات، ضعف افراد نیست، بلکه نوعی روحیه اجتماعی است؛ زیرا انسان مخلوقی کناره‌گیر یا غیر اجتماعی نیست، بلکه با طبیعت و سرشتی خلق شده است که حتی در ساده‌ترین شرایط زنده‌گی بازهم مایل نیست که دور یا جدا از هم‌نوعان خود زنده‌گی نماید.

سیسرون، یک کشور یا دولت را جزو دارایی و اموال مردمان آن سرزمین می‌داند که جهت برقراری و بسط عدالت در یک اجتماع دور هم جمع شده‌اند. از دید او، در این قلمرو، هدف برقراری اصل عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان است. او انسان‌ها را موجودی اجتماعی می‌داند که خداوند این احساس را در سرشت آن‌ها قرار داده است.

**تقدم قانون ازلی بر تمام قوانین**

اصل اساسی تفکر سیسرون در باب قانون و حقوق طبیعی این است که سراسر کاینات و موجودات از یک قانون یا مجموعه قوانین پیروی می‌کنند. موجودات بی‌جان از روی غریزه و انسان‌ها به واسطه عقل خود، تابع این اصل کلی هستند. او قانون طبیعی را ساخته و پرداخته ذهن و تفکر بشری نمی‌داند، بلکه معتقد است قانون اندیشه‌ی ازلی و ابدی از جانب خداوند است و فرمانی است که حکمت الهی از خلال آن به امر کردن و نهی کردن مردم و جهان می‌پردازد.

قانون طبیعت بر سرتاسر عالم وجود حکم‌فرماست و یک واحد یا سیستمی

# کهن‌ترین آموزه آریه در فرهنگ بشری

## جوان‌مردی!



آید و رفتار نیکو است با کسی که دل تو از او می‌رمد. (فتوت‌نامه سلطانی، ص ۱۱)  
ملک‌الشعرا بهار می‌گوید، غرض فتوت و جوان‌مردی خدمت به خلق و حفظ شهر و مردم بوده است. او ظهور فتوت را به عنوان شاخه‌یی از تصوف بعد از عهد مغول دانسته است.  
فرانتس تیشنر می‌نویسد: فتوت به دو معنی آمده است:

۱- حسن اخلاق: که جمیع فضایل بزرگواری، علو طبع، سخاوت، رشادت و... را شامل می‌گردد.  
۲- معنی اجتماعی: گروه جوانانی که تحقق این خصایل را وظیفه خود می‌دانستند. این دو جدا از هم رشد کردند تا این که با ناصرالدین الله عباسی - ۱۱۸۰ تا ۱۲۳۵ به هم مربوط شدند و دیگر جدا نگردیدند.

۵- رشد جوان‌مردی و فرمانروایی سیاسی  
عیاران و جوان‌مردان از قدیم وظیفه حفظ نظم را در شهر و محیط خود داشتند. به‌خصوص در حالات فوق‌العاده و حساس جامعه: چون مرگ سلطان، قحطی، حمله دشمن، سیل و رویدادهای طبیعی، ناامنی، جوان‌مردان به صحنه می‌آمدند و حکومت‌داران از آن‌ها کمک می‌خواستند. همان‌گونه که ضعفا و مستضعفان نیز حامی و پشتیبانی جز عیاران نداشتند.

در سده‌های نخستین اسلامی، جوان‌مردان و عیاران با تشکیلاتی که داشتند، در عرصه سیاسی تبارز کردند. به قول کامل مصطفی شبیبی، عیاران از سال ۸۱۲ تا ۹۱۷ برای خود دسته‌ها و گروه‌های منظمی را ترتیب دادند.

در سده‌های نخستین اسلامی و به‌خصوص در دوره خلافت عباسیان، عیاران در عرصه سیاسی نهایت فعال بودند و توانستند در مقاطعی کاملاً قدرت سیاسی را به‌دست گیرند. جنبش حمزه اذکر سیستانی، استاد سپس بادغیسی، سنباد گیر، بایک خرم‌الدین، مازیار و ابومسلم خراسانی که در پیشاپیش عیاران خراسان، بنی‌امیه را ساقط کرد و حرکت یعقوب لیث صفار که به نیروی عیاران سیستان قدرت را تصاحب کرد و عزم تسخیر بغداد را نمود، همه از رشد و بالندگی تشکیلات سیاسی عیاران حکایت دارد.

شکوفایی و بالندگی عیاری و فتوت تا آن‌جا بود که خلیفه بغداد الناصرالدین الله، برای استحکام دستگاه خلافت به عیاران تمسک جست و در حلقه آنان داخل گردید. سراویل (ایزار، تیان) فتوت پوشید و به جوان‌مردان پیوست. (آیین جوان‌مردی، ص ۱۳۶۳، ص ۱۸۰)

ناصرالدین الله بعد از تجدید فتوت، منشوری به سران جوان‌مردان صادر کرد که در آن آمده است: «اصل و منبع فتوت علی است و تمام آداب و محاسن فتوت از وی نقل است. همه خود را بدو منسوب دانند. جوان‌مردی تقلید برادرخوانده‌گی محمد و علی است.

برمی‌خوریم که در بدایع‌الوقایع قصه‌های آن‌ها بازتاب یافته است. و از آن روزگار به بعد در خراسان نام‌های کاکه‌ها، جوان‌مردان، داش‌مشدی، در ترکیه اخی و غیره تداوم کم‌رنگ همان عیاری و جوان‌مردی‌ست که ساز و برگ ضعیف داشتند.

فرانتس تیشنر می‌نویسد: در ترکیه شخص اخی دارای باشگاهی بود که زاویه نامیده می‌شد. هرشب جوانان دسته‌دسته آن‌جا جمع می‌شدند و از بیگانه‌گان پذیرایی می‌کردند. در سال ۱۳۳۰ میلادی ابن بطوطه در آناتولی به خانه اخیان رفته است. او در همه شهرهای آناتولی خانه اخیان را دیده و طرز زنده‌گی، پذیرایی و مهمان‌نوازی آن‌ها را تحسین کرده است. سیاحان معروف: ابن جبیر و ابن بطوطه در سفر خویش به شرق، گفته‌اند: بعد از تصوف، فتوت بیش از هر طریقه‌یی در کشورهای اسلامی رواج یافته است.

در همین زمان، «اخیت» و یا «فتوت» در ایران هم رایج بود که سید علی همدانی (۸۷۶-۷۱۴ برابر با -۱۳۱۴م) رساله فتوتیه را می‌نویسد. در این رساله فتوت و تصوف برابر دانسته شده و فتوت‌دار، اخی نامیده شده است. حتی در قرن ۸ برابر با قرن ۱۴، فتیان و یا جوان‌مردان در برخی شهرها چنان نیرومند بودند که برای مدتی قدرت را به‌دست گرفتند. به گونه نمونه، یک خاندان اخی تا سال ۱۳۶۱ میلادی که سلطان مراد اول پادشاه عثمانی انقصره را تصرف کرد، در آن شهر حکمروایی داشت.

همچنان زمانی که سلطنت ایلخانیان مغول رو به اضمحلال نهاد، شخصی به نام اخیحق مدت سه سال -۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ در تبریز و آذربایجان حکومت کرد تا این که به دست سلطان جلایری مغلوب گردید. بعد از این روزگار، حتی در قرن ۱۵ میلادی بازهم حضور جوان‌مردان محسوس است که فتوت‌نامه سلطانی اثر ملاحسین واعظ کاشفی، برادرزاده جامی، می‌تواند گواه این ادعا باشد.

### ۶- ویژه‌گی‌ها و اوصاف جوان‌مردی

جوان‌مردان از خویش ویژه‌گی‌ها و صفاتی داشته‌اند. در این روند، شرایط، اوصاف، ویژه‌گی، شرایط، آداب و مراسم، مراحل، نشان، اصول و... از شمار آن ویژه‌گی‌هاست.

#### شرایط جوان‌مردی

جوان‌مردی از خود شرایطی داشت. هرکس نمی‌توانست به حلقه جوان‌مردان راه یابد. مرد باید شرایطی را دارا می‌بود تا به جوان‌مردی پذیرفته می‌شد. از آن‌جمله این شرایط را برشمردند: ذکوریت، بلوغ، عقل، دین، صحت به نیت، استقامت احوال (نبود عیب ظاهری، جذام، برص...، مروت، حیات. (آیین جوان‌مردی، ص ۱۳۶۳، ص ۱۴۷)

#### آداب و مراحل جوان‌مردی

پذیرش در حلقه جوان‌مردان در دو مرحله صورت می‌گرفت. در مرحله نخست، داوطلب به یکی از اعضا تقاضانامه می‌داد. این شخص مدتی به گونه آزمایشی باقی می‌ماند. در این دوره، فرد آزمایشی «طالب» و سابقه‌دار «مطلوب» نامیده می‌شد.

طالب پس از گذرانیدن مدت آزمایشی، وارد اتحاد فتوت می‌شد و طی مراسم مخصوص پیش‌بند، «شد»، «فوطه» و یا «حزام» به کمر می‌بست. طالب در این مرحله یک عضو کمر بسته «مشدود» و یا «حزام» بود و مرید نامیده می‌شد. پس از سپری شدن مدت دیگری، بازهم با مراسم مخصوص، طالب لباس فتوت (لباس الفتوه) را به تن می‌کرد و از قلدح مخصوص (کاس الفتوه) می‌نوشید. دیگر یک عضو کامل و «رفیق» محسوب می‌شد. این تشریفات مخصوص پذیرش را برخی منابع «تکمیل» و برخی دیگر «تکفیه» نامیده‌اند.

آداب و مراحل سه اصل: قلدح نوشیدن، میان بستن، سراویل پوشیدن، معنی و مفهومی داشت که جوان‌مرد با انجام آن، متعهد به آن اصل‌ها می‌گردید.

- قلدح نوشیدن: قلدح اشاره به عدالت است. قلدح مخلوط آب و نمک است. همه غذاها با نمک اصلاح می‌پذیرد. جوان‌مرد نیز در جامعه باید حکم نمک را داشته باشد. رسم قلدح نوشیدن از آن‌جا آمد که پیامبر ص قدری آب در قلدح ریخت و گفت: این شریعت است و قدری نمک در آن انداخت و گفت: این حقیقت است و آن را به علی داد و گفت: تو جوان‌مرد این امتی. بعد این، قلدح فتوت را از علی، سلمان و از سلمان، نذیفه یمانی نوشید.

- میان بستن: میان بستن اشاره به شجاعت و تمرین نفس به خدمت است. کمر بستن یعنی همیشه آماده‌ی ایشار و خدمت بودن. هنوز این اصطلاح جاری‌ست. خدمت‌گزاران می‌گویند: ما کمر بسته و آماده‌ایم.

- ایزار یا سراویل پوشیدن: سراویل پوشیدن اشاره به فضیلت عفاف است. آن‌که سراویل می‌پوشد، پای‌بندی خویش را به پاک‌دامنی و اعتقاد خویش را در حفظ ناموس ملت و میهن و مردمش بیان می‌دارد. گفته می‌شود: خرقه فتوت عفاف است. اولین قدم عفت است که تعلق به اسافل آدمی دارد. خرقه تصوف کلاه است که به عالم انوار و به عالی اعضای انسان تعلق دارد.

تمام کسانی که شرف آیین فتوت را به رفاقت خلیفه وقت ناصرالدین الله دریافتند، باید بدانند هرکسی از رفیقان که کسی را به قتل رساند، در زمره کسانی درآید که خداوند فرموده: «و من یقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فیها» (قرآن، ۳، ۹۳): هرکسی مومنی را به عمد بکشد، مجازات او جهنم است؛ از دایره جوان‌مردان خارج خواهد شد. اگر کسی این رانده شرع را پناه دهد، به قول پیغمبر «کسی که پدیدآورنده حادثه‌یی را پناه دهد، لعنت خدای و فرشته‌گان و همه مردم بر او باد.» عمل به این منشور از نظر شرع و آیین فتوت واجب است.

به قول نویسنده تلبیس ابلیس، در عصر مامون‌الرشید در بغداد ۵۰ هزار عیار وجود داشت. در جنگ میان امین و مأمون حضور جوان‌مردان برجسته بود و در قرن سوم چنان بالنده بودند که چند تن از قضات بغداد از شمار جوان‌مردان بودند. به قول قاضی تنوخی، رشد عیاران در این دوره تا آن‌جا بود که در سال ۳۵۰ هجری برابر با ۹۶۱ میلادی شورش را در بغداد به‌راه انداختند. (تلبیس ابلیس، ص ۴۶۱)

به روایت تاریخ، عیاران از قرن ۱۲-۹ زمانی ظاهر شدند که هرج‌ومرج بود و هرکه هرچه می‌خواست، می‌کرد و حکومت ضعیف بود. در این دوره، عیاران گاهی حکومت تشکیل می‌دادند. ابن‌الائیر می‌نویسد: از ۱۱۳۵ - ۱۱۴۴ برای ۹ سال در بغداد یک حکومت تشکیل دادند. (آیین جوان‌مردی، ۱۳۶۳، ص ۱۳۲) از سرداران و پیشوایان عیاران در این عصر، ابن طقطقی و زیبق معروف بودند.

عباس اقبال آشتیانی می‌نویسد: اهل فتوت جماعتی بودند از درویش و فقرا که از حدود قرن پنجم هجری به بعد در ممالک اسلامی به تشکیلات حزبی، نظیر احزاب سیاسی حالیه، شروع کردند. این جماعتی، طبقه‌یی از متصوفه و به عبارت اخیر عوام این طایفه محسوب می‌شوند و غرض ایشان از داشتن تشکیلات و حفظ جمعیت خود، واداشتن طبقه عوام مردم به رعایت اخلاق حسنه و ترک عادات ذمیمه بوده... (آیین جوان‌مردی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱)

به قول دیگر، جوان‌مردی تحت عنوان فتوت از عهد عباسیان و گرایش الناصرالدین الله (۵۷۵-۶۲۲) به این مسلک از نگاه سیاسی اوج گرفت. در عهد سلجوقیان در قرن پنجم هجری در شام جماعت «احداث» رشد کردند. قرن ۶ و سرآغاز قرن ۷ بازهم بالنده‌گی فتوت را شاهد هستیم. بعد از آن، با هجوم چنگیز مانند همه نمانده‌های دیگر، فتوت و جوان‌مردی نیز به عنوان یک تشکل سیاسی و یا اجتماعی منظم، مضمحل گردید. ارچند نمونه‌های این جریان به نام‌های مختلف، این‌جا و آن‌جا محسوس بود. بعد از مغول در عهد تیموریان، عصر شاهرخ میرزا و سلطان حسین بایقرا به نام‌های یتیم‌ها، نهنگ‌ها، مفردان و قلندران



یونسکو:

# یازده میلیون نفر در افغانستان قادر به خواندن، نوشتن و شمار کردن نیستند



یونسکو یا سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد می‌گوید حدود یازده میلیون نفر در افغانستان یا بی‌سوادمند و یا از سطح بسیار پایین سواد برخوردارند و توانایی خواندن و نوشتن را ندارند. پاتریشیا مک فیلیپس رییس سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد در افغانستان، روز یکشنبه جایزه این نهاد ملل متحد را به دو موسسه فعال در عرصه سواد آموزی اهدا کرد. این جایزه‌ها به نام رولا غنی بانوی اول افغانستان ضرب زده شده‌اند. خانم مک فیلیپس در این مراسم گفت که هرچند طی سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی برای افزایش تعداد با سوادان در افغانستان صورت گرفته است، اما هنوز هم نزدیک به یازده میلیون از شهروندان این کشور از نعمت سواد محروم هستند. رییس اداره افغانستان یونسکو گفت: «با وجودیکه در یک دهه گذشته قدم‌های مثبتی در راستای تعلیم و تربیه گذاشته شده اما سواد آموزی یک بخش مهمی بوده که در این مدت در مورد آن غفلت شده است.» رییس سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد

خیلی بلند است. آقای بلخی گفت: «در حدود ۴۰ درصد مردم ما باسواد اند و ۶۰ درصد دیگر بی‌سواد. از این ۶۰ درصد حدود ۸۰ درصد بی‌سوادی در بین خانم‌ها است. وزارت معارف تلاشش این است که در باسواد ساختن خانم‌ها نقش فعالتری ایفا کند.» وزیر معارف افغانستان افزود که در حال حاضر حدود پانزده هزار مرکز یا کورس سواد آموزی در سراسر این کشور فعال هستند. ولی او گفت که تنها با سواد شدن کافی نیست بلکه باید زمینه یادگیری حرفه نیز برای مردم فراهم شود. دکتر سردارمحمد رحیمی معاون سوادحیاتی وزارت معارف، از افغانستان به عنوان یکی از سه کشور بی‌سواد در جهان یاد کرده گفت که بی‌سواد ماندن برای مردم این کشور شایسته نیست. آقای رحیمی گفت که دولت افغانستان طرح‌های مشخصی برای بلند بردن سطح سواد در کشور از سال گذشته روی دست گرفته است.

در همین حال رولا غنی بانوی اول افغانستان، از نام‌گذاری جایزه امسال یونسکو بنام خودش ابراز خرسندی کرده می‌گوید که با بلند رفتن سواد در میان شهروندان این کشور، ثبات و امنیت نیز بهبود خواهد یافت. رولا غنی به گسترش برنامه‌های سواد آموزی تاکید کرده گفت شاگردانی که از مکاتب فارغ می‌شوند، باید باسواد گفته شوند. رولا غنی بر استفاده از تکنالوژی جدید برای بهبود سطح سواد در افغانستان تاکید کرد: «امروز خوشبختانه با تکنالوژی جدید، امکانات بهتر برای سواد آموزی به وجود آمده که باید استفاده اعظمی از آن صورت گیرد. سواد، خواندن و نوشتن مانند چراغ است که راه تاریک ما را روشن می‌سازد. کسانی که در این راه سعی و تلاش به خرج می‌دهند قابل تحسین هستند.» پانزده سال پیش و با شکست گروه طالبان، مکتب‌ها در سراسر افغانستان باز شدند و شاگردان با شور و شوق زیادی رهسپار مکتب‌ها شدند. اما با افزایش جنگ و ناامنی، دسترسی به مراکز آموزشی محدود شده و هزاران طفل به دلیل بیجا شدن از روستاهای شان از سواد آموزی محروم شده‌اند.

## وزارت زنان:

# میزان تجربه زنان افغانستان از خشونت فیزیکی و جنسی دوبرابر زنان در جهان است



است. براساس گفته‌های برخی از نمایندگان پارلمان کار روی قانون منع خشونت علیه زنان نیز جریان دارد. درخبرنامه وزارت امور زنان آمده که قرار است کمپاین ۱۶ روزه محو خشونت علیه زنان و دختران در سراسر افغانستان برگزار گردد. شعار کمپاین ۲۰۱۶ در افغانستان، «اقدامات ارزنده و فراگیر توسط هر فرد جامعه برای محو خشونت علیه زنان» خواهد بود. این کمپاین به تاریخ ۲۳ نوامبر در کابل رسماً آغاز می‌گردد و تا دهم دسامبر که روز جهانی حقوق بشر است، ادامه می‌یابد. گفتنی است که ۲۵ نوامبر، روز بین‌المللی محو خشونت علیه زنان و دختران در سراسر جهان است.

وزارت امور زنان اعلام کرده است که زنان افغانستان ۸۷ درصد خشونت‌های جنسی و فیزیکی را تجربه می‌کنند. وزارت امور زنان در آستانه روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، با نشر خبرنامه‌ای می‌گوید که میزان تجربه زنان افغان از خشونت فیزیکی و جنسی در حدود دو برابر ارقام جهانی است. این وزارت گفته است که در جهان از هر سه زن یکی آن خشونت‌های فیزیکی و یا جنسی را در زندگی اش تجربه میکند اما در افغانستان آمار تجربه به ۸۷ درصد می‌رسد. براساس گزارش‌ها در جهان ۳۳ درصد زنان خشونت‌های فیزیکی و جنسی را تجربه می‌کنند. این اظهارات درحالی مطرح می‌شود که دراین اواخر مجلس نمایندگان قانون منع آزار و اذیت زنان و کودکان را تصویب کرده

مشرانو جرگه:

## حکومت دې د کابلوف څرگندونو په اړه روښانه دریځ غوره کړي



د افغانستان مشرانو جرگه وایي، د افغانستان لپاره د روسیې د ځانگړي استازي ضمیر کابلوف وروستی څرگندونې نه د روسیې او نه هم د افغانستان او سیمې په خیر دي او هم د افغانستان په کورنیو چارو کې لاسوهنه ده.

د دې جرگې غړو د یکشنبې ورځې په عمومي غونډه کې له حکومتو وغوښتل چې په دې اړه څرگند او روښانه دریځ غوره کړي.

د مشرانو جرگې رئیس فضل‌الهادي مسلمیار د ضمیر کابلوف څرگندونې وغندلې او زیاته یې کړه، هر هېواد چې له طالبانو سره اړیکې لري د افغانستان دښمن دی.

ښاغلي مسلمیار زیاته کړه:

«حکومت دې په دې اړه خپل دریځ روښانه کړي او هغه معلومات چې لري یې د کابلوف له څرگندونو وروسته دې له روسیې چارواکو سره شریک کړي او د روسانو پخوانی تاریخ دې هم ورته بیان کړي، څو د افغانستان په چارو کې له لاسوهنې ډډه وکړي، زه د مشرانو جرگې په استازیتوب د کابلوف څرگندونې غندم طالبان د افغانستان دښمنان دي د افغانانو له دښمنانو سره اړیکې له افغانانو سره دښمني ده.»

د افغانستان لپاره د روسیې ځانگړي استازي د ترکیې له انادولو خبري اژانس سره په خپلو تازه څرگندونو کې ویلي چې روسیه له طالبانو سره په تماس کې ده.

ضمیر کابلوف ویلي طالبان د هغو کسانو پر ضد جنګېږي چې دوی په سوریه کې ورسره په جگړه کې دي او همدا لامل دی چې زموږ گټې سره نږدې کوي.

د افغانستان د مشرانو جرگې غړي وایي چې د سیمې د هېوادونو نیابتي جگړې په افغانستان کې پر مخ وړل کېږي چې باید دغه هېوادونه ورڅخه لاس واخلي.

د دغې جرگې غړي نثار حارس د مشرانو جرگې په عمومي غونډه کې وویل: «افغان حکومت په جریان کې نه‌دی، خو روسیې اعلان کړې چې له طالبانو سره خبرې په جریان کې دي، د روسیې په گډون د سیمې هېوادونه په افغانستان کې نیابتي او استخباراتي جگړه پر مخ وړي، د افغانستان په چارو کې هر ډول مداخله د افغانستان په جغرافیه باندې تیری دی.»

هڅه مو وکړه چې په دې اړه د افغان حکومت نظر هم راواخلو، خو د مشرانو جرگې د غړو د وروستیو څرگندونو په اړه یې له خبرو ډډه وکړه.

څو ورځې وړاندې د بهرنیو چار وزارت ویاند شکیب مستغنی ازادې راډیو ته په دې اړه داسې ویلي و.

«د هغو ډلو سره چې تل یې افغانان د ترورېستي حملو هدف گرځولي د هر ډول اړیکو جوړول او ملاتړ په اوږد مهال کې د سیمې لپاره په خطر بدلېږي چې هېڅ هېواد به یې له زیانه په امن کې پاتې نه‌شي، له دې وړاندې هم چې رسنیو په دې اړه څه خپاره کړي او موږ دا موضوع له روسیې سره شریکه کړې د هغه هېواد چارواکو رد کړې ده.»

ښاغلی مستغنی ټینگار کوي د سیمې هغه هېوادونه چې د افغان ولس له دښمنانو سره همکاري کوي د سیمې لپاره به خطرناک عواقب ولري.



**فیسبوك نامه**

رؤف اجمل



راهزنی های شبانه

چندیست که موارد راهزنی های مسلحانه در مکروریانها "ناحیه نهم" بسیار زیاد شده است. دزدان در دسته های پنج تا ده نفری، تا ناوقت های شب در راهروهای زیر بلاکها برای یافتن طعمه، گشت می زنند. هرگاه دستشان بیافتد، همه آنچه به دستشان بیاید را با خود دارند، باید بدون جنجال و گیرودار، واگذار کنید، ورنه تا قیمت جانتان، پیش می روند.

تقریباً هر شب از این دست دزدی ها اتفاق می افتد. بسیاری قربانیان نمی خواهند به پولیس شکایت کنند، چون باور دارند که پولیس با این دزدان هم دست است و "حق می گیرد". پارک "کیف" در قلب مکروریان سوم، محل تجمع و سازماندهی این دسته های دزدان میدل شده است. در برخی موارد حتا تا ساعتهای ۱۱ و ۱۲ شب در این پارک آتش بازی می کنند و بوی دود "چرس"شان، باشندگان دور و بر را گسسته ساخته است. البته که همه این افراد باشندگان ساحات دیگراند و فقط برای پیدا و پناه به مکروریان می آیند.

لطف نوشت: گشت پولیس باید شب هنگام به این افراد دستور ایست بدهد و پرسدشان که این جا چه می کنند؟ همین که طرفشان نگاه کنی، از چهره و لباسشان می شناسی که اهل این محل نیستند و اهل "پیدا و پناه" اند.

یادآوری: دوستانی که با چنین موارد برخورد کرده اند و یا حکایتی از دوستان و نزدیکان شان دارند، اگر امکان داشته باشد، کوتاه یادآوری کنند.

**محمد اکرام اندیشمند**



درحالی که مقام های امریکایی در کابل از رهبران دولت افغانستان می خواهند تا در صدد تأمین رابطه نزدیک با دونالد ترامپ، رییس جمهور جدید ایالات متحده امریکا شوند، آیا انتصاب ژنرال متقاعد، مایکل فلین از سوی ترامپ در مقام مهم مشاور امنیت ملی که قبلاً در افغانستان به عنوان مأمور ارشد امنیت برای نیروهای نظامی ائتلاف مأموریت انجام داده است، بر دیدگاه و سیاست او در مورد افغانستان تأثیر عمده ای خواهد گذاشت؟

ژنرال مایکل فلین که دو سال قبل مدیر بخش اطلاعات امنیتی در پنتاگون بود، در سال ۲۰۱۴ پس از انتقاد بر سیاست ضعیف امنیت ملی قصر سفید و پنتاگون در مقابله با داعش و گروه های مشابه آن و مسایل دیگر جهانی، از سمتش استعفا داد. او در ماه جون امسال (۲۰۱۶) طی مصاحبه با تلویزیون CNN از خطر گروه های افراط گرای اسلامی سخن گفت و خواستار مقابله شدید با این گروه ها شد. او در همین ماه در مقاله ای که برای نشریه نیویورک پست نوشت، بارک اوباما را به شکست در تعیین استراتژی مقابله با داعش متهم کرد.

مایکل فلین که با اطفال افغانستان با چهره خندان عکس یادگاری گرفته است و به نظر می رسد که تصویر و برداشت خاص خودش را در مورد جنگ افغانستان داشته باشد سیاست ترامپ را در این جنگ چگونه و در کدام مسیر شکل خواهد داد؟

**امرالله صالح**



قسمت دوم: سیاست قومی و هویتی چه مشکلی را حل خواهد ساخت؟

به پاسخ پرسش های مطرح شده در قسمت اول

اول منابع و مأخذی که مرا به این نتیجه گیری رسانیده اند، عبارتند از سفرهای رسمی و شخصی خودم به ۳۰ ولایت افغانستان و صحبت با مردم اهل فهم. دوم دسترسی به آنچه در دنیای اطلاعات و امنیتی "تحلیل تهدید" می گویند. کشورهای همسایه ما همه و بدون استثنا افغانستان را تهدید علیه امنیت خویش می دانند و روی فرصت هایی که افغانستان به آن ها ارایه می کند، کمتر سرمایه گذاشته اند. این کشورها دیدشان از اقوام مورد نظرشان دید ستون پنجمی است نه استراتژیکی، عاطفی و تبار محور. یعنی آن ها امنیت خودشان را در اولویت قرار می دهند و گاهی در وجود اقوام همسو و هم نژاد فرصت های اطلاعاتی و نفوذی را می بینند و بس.

سوم حالاً که روند سبز افغانستان را به پیش میبرم نیز دسترسی به معلومات عظیم از وضعیت کشورم دارم، زیرا هزاران نفر از اعضای رسا دید و معلومات شان را به گونه منسجم و منظم با سازمان خویش شریک می سازند. هر ولایت افغانستان بدون استثنا اقلیت های قومی و اکثریت های قومی دارند. در صورت بروز منازعه لچ و عربان قومی که از خداوند می خواهیم از ما دور داشته باشد، همه اقوام با بحران خونین و غیر انسانی مواجه می شوند. همه اقوام، بیاید دو تا موضوع را مختصر از نظر بگذرانیم، یکی بحث فدرال و دیگر بحث خدای ناخواسته تجزیه. در بحث فدرال چهار مسأله در هر صورت و هر حالت مرکزی باقی می ماند "دفاع البته نه پولیس، دوم مالیات، سوم پالیسی و روابط خارجی و چهارم ستره محکمه. در نظام فدرال بهترین وضعیت را ولایات پشتون نشین خواهند داشت و در قدم دوم، شاید هم ولایاتی که قوم ازبیک افغانستان اکثریت است. قوم هزاره افغانستان در صورتی که فدرال خط قومی را داشته باشد، بدترین وضعیت اقتصادی را خواهد داشت، بدترین وضعیت را.

فرض کنید که خدای ناخواسته قصه به طرف تجزیه رفت، احتمال تجزیه صلح آمیز که وجود نخواهد داشت. پس تجزیه توام با قهر خواهد بود. در آن صورت در افغانستان دو جبهه وجود نخواهد داشت. در آن صورت حداقل شش الی ده جبهه جنگ غیر انسانی و بی مفهوم وجود خواهد داشت و در آخر نیز کشور تجزیه نخواهد شد. روی همین دلایل که خیلی مختصر بیان کردم من راه حل را در تفاهم، هم گردیزی و کار مشترک می بینم. البته آنچه را نوشتم خیلی مختصر است، شاید به عوض وضاحت بیشتر پرسش های بیشتر را به وجود آورد. اما قصد من نوشتن کدام مقاله نیست، زیرا می دانم در این وقت ها در کشور ما قصه های ملا نصرالدین فروش و خواننده بیشتر از تفسیر مثنوی دارد. شما بخیر باشید.

**خروج قطار از ریل در هند بیش از ۱۰۰ کشته به جا گذاشت**

به گفته پولیس هند، تعداد کشته های خروج قطار از خط در ایالت اوتارپرادش به بیش از ۱۰۰ نفر رسیده است. در این حادثه دست کم ۱۵۰ نفر دیگر هم زخمی شده اند.

گزارش شده است که بر اثر این حادثه ۱۴ واگن قطار مسافری "ایندور-پتنا اکسپرس" در اوتارپرادش در شمال هند، از خط خارج شده است.

حادثه اوایل بامداد یکشنبه (۲۰ نومبر) به وقت محلی و در نزدیکی شهر کانپور رخ داده است. بر اساس گزارش ها امدادگران در محل حادثه حضور دارند.

هنوز مشخص نیست که چه عاملی باعث خارج شدن این قطار از ریل شده است.

گزارش شده است که بیشتر قربانیان و مجروحان این سانحه در دو واگن نزدیک به لوکوموتیو بوده اند که بر اثر شدت حادثه واژگون شده و خسارت شدیدی دیده اند.

گفته شده است که هنوز بسیاری در بین قطعات واگن های از ریل خارج شده، گرفتار هستند.

نارندرا مودی، نخست وزیر هند، در توییتی ضمن اظهار تاسف از این حادثه با بازماندگان قربانیان اظهار همدردی کرده است.

مقامات در حال بررسی این حادثه هستند.



**اخوان المسلمین مصر آشتی با دولت سیسی را رد کرد**

گروه اخوان المسلمین مصر دیروز (یکشنبه) اعلام کرد که با هرگونه آشتی با نظام حاکم مخالف است.

گروه اخوان المسلمین مصر در بیانیه ای در صفحه فیس بوک این گروه اعلام کرد، با هرگونه آشتی و سازش با دولت عبدالفتاح سیسی، رییس جمهور مصر مخالف است.

در این بیانیه اخوان المسلمین مصر آمد است: بارها تأکید کرده و باز هم می گوئیم که از مشروعیت (ریاست جمهوری محمد مرسی) دست نمی کشیم. ما از خون شهدا و مجروحان مان نمی گذریم و از حق بازداشت شدهگان و زندانیان در آزادی و حق ملت مصر برای داشتن زنده گی با عزت دست نمی کشیم و هرگز با "نخاینان" و "قاتلان" آشتی نمی کنیم.

این درحالی است ابراهیم منیر، معاون رهبر گروه اخوان المسلمین مصر از کسانی که آن ها را "عاقلان مردم" مصر خواند، خواست تا "تصویری آشکار برای آشتی" میان مقامات مصر و این گروه ارایه دهند.

معاون رهبر گروه اخوان المسلمین مصر در پاسخ به سوالی درخصوص موضع اخوان المسلمین درباره ایده آشتی با دولت مصر گفت: در صورتی که عقلا مصر تصویری آشکار از آشتی میان دولت و اخوان المسلمین ترسیم کنند، این گروه واکنش نشان خواهد داد و نسبت به آن جدی عمل خواهد کرد.

منیر با بیان این که افرادی شرافتمند در داخل دستگاه نظامی مصر وجود دارند که ممکن است در آینده "نقش مهمی" را ایفا کنند تأکید کرد: آن ها درک می کنند که در فعالیت سیاسی، تغییر و تحولاتی روی می دهد و از همه طرفها انتظار می رود که در شرایط کنونی مصر، این مسأله را نادیده نگیرند، به ویژه در شرایطی که بحث عقب نشینی از اصول، ارزش ها و حقوق نباشد.

**آرین صدیقی: کمیته المپیک زمینه برگشت ورزشکاران مهاجر را فراهم سازد**



**ننگیالی عثمانی**

آرین صدیقی در یک خانواده روشن فکر و دانش آموز خسته و ورزش دوست در ولایت پروان چشم به جهان گشوده و از سال ۱۹۹۹ به این سو در لندن زنده گی می کند. آقای آرین کارشناس ارشد رشته تغذیه نیز است و در کنار آن، به عنوان مربی در یکی از دبیرستان های خصوصی در لندن کار می کند. روزنامه ماندگار مصاحبه ای را با او انجام داده است که تقدیم خوانندهگان عزیز می گردد.

**\*از چه زمانی روبه ورزش آوردید و در این زمینه چه دست آوردهای تا به حال دارید؟**

من از نوجوانی نظر به شوق و علاقه ای که به ورزش داشتم، در کشور لندن آغاز به ورزش کردم. ابتدا از رشته کاراته آغاز کردم و تا کمربند سیاه این رشته را ادامه دادم. بعد از آن، رو به ورزش تکواندو آوردم. تا به حال سفرهای ورزشی به کشورهای سوئد، هالند و بلجیم داشته ام که در این کشورها به نمایندگی از افغانستان مسابقه داده ام. ۱۰ مدال طلا، ۶ کپ قهرمانی، ۷ مدال نقره و ۶ مدال برنز شامل دست آوردهایم می باشد. ذکر این نکته نیز ضروری است که تا به حال در هیچ یک از مسابقاتم مقام بیشتر از دوم را به دست نیاورده ام، یعنی همواره یا مقام اول را گرفته ام یا دوم را. در کنار این همه، همرا با ورزشکاران افغانستانی که برای مسابقه به شهر لندن آمده اند، به عنوان همکار در خدمتشان بوده ام.

**\*از نظر شما ورزش چه نقشی در سلامتی انسان و جامعه دارد؟**

ورزش سبب می شود که انسان دیرتر پیر شود، بدن سالم داشته باشد و از مرگ نا به هنگام هم جلوگیری کند. ورزش منظم می تواند انسان را از بسیاری بیماری ها محافظت کند. بنا بر این نظر داشت آنچه گفتیم، جامعه نیازمند یک چنین انسان ها است تا به رشد و شکوفایی برسد. در واقع انسان سالم است که جامعه سالم را بنیاد می گذارد.

**\* ورزش چه نقش در رفتار و اخلاق انسان دارد؟**

ما هر روز شاید کم رنگ شدن عواطف و محبت از سوی افراد جامعه استیم و ورزش نقش اساسی در این پیوند دارد زمانیکه نو نهالان و جوانان در یک کلب تمرین میکند تمام قوانین و مقررات، دسیپلین و نظم، احترام متقابل اخلاق ورزشی و گذشت را می آموزد تمام این قوانین را در جامعه انجام میدهد پس گفته میتوانیم ورزش سبب احترام و صمیمیت دو جانبه میشود و نقش کلیدی محبت در یک جامعه دارد.

**\* ورزشکاران افغانستانی در اروپا چه نیازمندی هایی دارند و خواست شما از کمیته ملی المپیک کشور چیست؟**

جوانان افغانستانی ورزشکار در لندن بسیار هستند و البته دارای استعداد های خوبی هم. این ورزشکاران همیشه به نفع افغانستان مسابقه کرده اند و افتخارات خوبی در این زمینه دارند. کمیته ملی المپیک افغانستان باید سفرهایی را برای شان فراهم کند تا به افغانستان بیایند، با ورزشکاران کشور آشنا شوند، از آموخته های یکدیگر استفاده کنند و در نهایت از آدرس رسمی افغانستان به سفرهای رسمی فرستاده شوند.

**\* پیامتان برای هموطنان افغانستانی تان چیست؟**

رمز زنده گی سالم و عمر طولانی ورزش است. سلامتی و شادابی افراد و جامعه نیز به تحرک فکری و جسمی انسان های آن جامعه بستگی دارد. پس جوانان عزیز کوشش کنند ورزشکار باشند. ورزش انسان را از فعالیت های غیر متمر منع و دغدغه انسان را به کارهای سالم بیشتر می کند. ورزش و آموزش از نیازهای اساسی و واجبی هر جامعه است.



# Mandegar

## دنیای «قشنگ نو» ترامپ

رفتاری جایگزینی مانند دوستان، لایک ها و فالوورها است. ترامپ وارد می شود. با تظاهرات و داد و بیدا کردن ها و جملات ۱۴۰ کارکنی با عنوان «طرح های سیاسی»، ستاره سابق تلویزیونی که به طور حتم می داند چگونه جماعت عصبانی را جذب کند و قابی برای بیان ناراضی آن ها پیدا کند. ترامپ که خودش شایعه کرده بود «تلویزیون ترامپ» را به راه خواهد انداخت (در پی انتخاباتی که به نظر می رسد آن ر از دست دهد) پیروزی در این انتخابات را به رسانه های اجتماعی نسبت داده است. برخی از رای دهندگان ترامپ ادعا دارند که «حسی مشترک» آن ها را به حرکت واداشته است. این حس از میان پیام های او مانند «رفاه و کاهش بدهی» و «اصلاح قوی مهاجرت» بیرون می آید. اما نگاهی دقیق تر نشان می دهد که هیچ کارکرد واقعی برای این پیام ها وجود نداشت که در واقع به سختی می شد انسجامی در آن ها پیدا کرد. آنچه طرفداران ترامپ واقعا به آن رای دادند، مثل بله قربان گفتن یک شاگرد به ریس اش است. یک فرد اقتدارگرای قاطع که بدون هیچ فکری هر کسی

ها نفر را متقاعد کند که به سیاست های «دولت کمتر» به معنی لغو برنامه های فدرال شامل آموزش و پرورش، «صبح را برای امریکا» به ارمغان خواهد آورد. با بهره بردن از استعدادهای هالیوودی اش، ریگان ماهرانه نقش خود را به عنوان رییس جمهور ایفا کرد. ابتکار دفاع استراتژیک او، برای پایان دادن به جنگ هسته ای که استراتژی «انهدام قطعی و متقابل» نام داشت با نام مستعار «جنگ ستارگان» شناخته می شد. وضعیت پایدار ریگان به عنوان یک نماد جمهوریخواه، به توانایی های او، به مانند یک گاوچران ظلم ستیز با جذابیت یک ستاره فیلم، بستگی داشت هرچند که شانس هم این میان نقش ایفا کرد. به هرحال او در جنگ سرد به پیروزی در برابر میخائیل گورباچف دست پیدا کرد؛ رهبری که تلاش او در اصلاح اتحاد جماهیر شوروی به فروپاشی آن شتاب بخشید. جیمز کارویل، یک استراتژیست کمپین های انتخاباتی، برای ریاست جمهوری بیل کلینتون (که مانند کندی از جذابیت جنوبی بهره مند بود) یک عبارت را ابداع کرد «این اقتصاد است، احمق».



را از کشور اخراج یا دیپورت خواهد کرد. برای رای دهندگان، ترامپ سرود متکرانه وین را دوباره سر می دهد: «اگر همه چیز سیاه و سفید نیست، من می گویم چرا جهنمی نیست؟» رای دهندگان به زمانی برگشتند که مردان سفید کابوهایی فاتح بودند. با انتخاب ترامپ، که یک نژادپرست سفید را به عنوان مشاور ارشد و استراتژیست خود انتخاب کرده است، امریکا می تواند از قلمرو اورول هم عبور کند. این می تواند ویرانگر باشد اما ابرهای نقره ای امید هم وجود دارد. در نهایت یک مقاومت به پا می خیزد و این سیستم را از بین می برد. دوران ترامپ می تواند نئوفاشیسم جدیدی باشد، او ممکن است امریکایی را بسازد که برای مردم کمتر و کمتری کارگشا باشد در حالی که رای دهندگان مشغول اشتراک گذاشتن اخبار جعلی در رسانه های اجتماعی و عکس های گربه ها هستند. مردم به تدریج ظرفیت باقی مانده خود را برای ایجاد تمایز بین واقعیت زندگی و سایه های مجازی از دست می دهند.

عبارتی ساده و جذاب که تا امروز هم تقریبا بدون استثنا ادامه دارد. هنوز این عبارت را می توان به شکلی دقیق برای اقتصاد امریکا به کار برد که سمت حماقت بیشتری حرکت می کند. در سال ۲۰۰۰، امریکایی ها برای جورج دبلیو بوش آماده می شدند. یک شاهزاده و مردی برای همه جا. در شجره نامه او خون آبی پدرش از ساحل شرقی به همراه یک شخصیت ساده تگزاسی وجود داشت. بوش ستاره سینما نبود اما در عوض یک بازیگر تبلیغاتی خیره برای سیاست های جنگ طلبانه به شمار می رفت. امروز سرگرمی وارد مرحله جدیدی شده بنابراین سیاست هم تغییر کرده است. از شوهای تلویزیونی، فیلم های پر فروش تابستانی و رسانه های اجتماعی، تعداد بسیار زیادی از مردم مشغول این چیزها هستند به خصوص در ایالات متحده که همه چیز فیلتر نشده، آئی، بی امان و همیشه در دسترس است. تشنگی برای کسب دانش دقیق و بحث های پیچیده نظری با فاصله، بسیار کمتر از تشنگی برای الگوهای

### نویسنده: نینا خروشچف منبع: پراجکت سیندیکیت مترجم: روزبه آرش

آنچه دوست داریم ما را نابود می کند. این پیش بینی آلدوس هاکسلی در سال ۱۹۳۲ بود. در رمان «دنیای قشنگ نو» او یک نژاد انسانی را توصیف می کند که تا سال ۲۵۴۰ در دنیایی از جهل نابود شده است، شهوت برای سرگرمی های ثابت، تسلط فن آوری و طوفانی از کالاهای مادی. با انتخاب اخیر دونالد ترامپ به عنوان رییس جمهور ایالات متحده به نظر می رسد که پیش بینی هاکسلی بیش از ۵۰۰ سال از برنامه جلوتر بوده است. فرهنگ عمومی امریکا مدت های طولانی است که به دور از تفکر روشنفکری زیسته است. شعارهایی وابسته به مساوات طلبی و اقتصاد آزاد، به عنوان پیش شرطی برای خلاقیت نامحدود و سرمایه داری لجام گسیخته سر داده می شوند. آنچه که هر کسی برای حرکت رو به جلو نیاز دارد جرات و پشتکار است.

زمانی این پیشنهادی جذاب برای کشورهایی مانند اتحاد جماهیر شوروی بود که به شکلی دقیق در رمان پادآرمان شهرگونه جورج اورول به نام «۱۹۸۴» تصویر شده است. در جایی که کنترل دولتی تمام خلاقیت های فرهنگی را زیرزمینی می کند، روح و خلاقیت امریکایی به نظر به مانند تجسم یک رویا به نظر می رسد.

اما در جهانی مانند جهان اورول، فشارهای سیاسی و جنبش مخالفی که در درون سیستم در حال رشد است، در نهایت اتحاد به سمت فروپاشی جماهیر شوروی حرکت می کند. وقتی مردم با سرگرمی های فراوان و بی فکرانه و انبوهی از چیزهای پریشان توجهشان پرت می شود، به مرور مقاومت خود را از دست می دهند. در نهایت آن ها از فقدان دانش و مهارت رنج برده و نمی توانند آن سبک از زندگی را رد کنند، حتی اگر بخواهند. به عبارت دیگر، در جهان شوروی سابق ممکن بود امیدی در شهروندان، برای ساختن نوع دیگری از زندان حداقل کمتر ناخوشایند، وجود داشته باشد اما فرار از آنچه امریکایی ها با آن در حال حاضر مواجه هستند بسیار سخت تر است.

صنعت فرهنگ امریکا بدهی طولانی مدتی به سیاست کشور دارد از آنجا که رنگ خفیفی از سورئالیسم در هالیوود وجود دارد. سیاستمداران با شخصیت هایی بی گناه و مبری از فساد تصویر می شوند از جیمی استوارت در فیلم «آقای اسمیت به واشنگتن می رود» (۱۹۳۹) تا اورسن ولز در «همشهری کین» (۱۹۴۱) و رابرت ردفورد در «نامزد» (۱۹۷۲).

با انتخاب جوان سبزه رویی به نام جان اف کندی، برای اولین بار یک خوش چهره هالیوودی به کاخ سفید راه پیدا کرد. در سال ۱۹۶۰، تصویر کندی در خانه های امریکایی پخش می شد، در کنار او فردی شناخته شده تر و به مراتب کمتر جذاب به نام ریچارد نیکسون ایستاده بود. کندی به مانند یک مدل و یک گاوچران قلب های امریکایی را تسخیر کرد. هرچند او نمادی از بیسوادی نبود بلکه بالعکس در سال ۱۹۶۳ گفت: «جهل و بی سوادی... نظام اقتصادی و اجتماعی ما را به سمت شکست می برد».

چهره جذاب دیگر صفحات تلویزیونی امریکایی ها رونالد ریگان بود. او یک بازیگر حقیقی بود که واقعا در نقش یک گاوچران بازی کرد. اما وقتی پای صراحت و دانش به میان آمد، نظر او مخالف جان اف کندی بود. حمایت اقتصادی او به نفع طبقه کارگر سفید باعث شد که بتواند میلیون

## توصیه اسپنتا به مهاجران افغانستانی در آلمان: برنگردید



داکتر رنگین دادفر اسپنتا مشاور پیشین امنیت ملی حامد کرزی رییس جمهور سابق افغانستان، برعکس کرزی به مهاجران افغانستانی در آلمان مشوره نداد که به افغانستان برگردند. وی گفت می تواند مهاجرانی را که نمی خواهند برگردند درک کند.

اسپنتا وزیر خارجه سابق افغانستان روز شنبه (۱۹ نوامبر ۲۰۱۶) در مصاحبه با رادیو آلمان گفت که به خاطر وضع امنیتی، وضع اقتصادی و میزان بیکاری بالا در افغانستان می تواند مردم کشورش را درک کند که بعد از فرار، نمی خواهند دوباره به کشورشان برگردند. این سیاستمدار اضافه کرد، از آنجایی که خودش نیز در آلمان درس خوانده و کار کرده، نمی تواند از دیگران (مهاجران در آلمان) بخواهد که به افغانستان برگردند؛ چراکه کسی نمی داند در آینده چه چیزی برایشان اتفاق می افتد.

اسپنتا که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ وزیر خارجه دولت حامد کرزی بود، اضافه کرد که هرگز نمی خواهد بر تلاش دولت ها برای بازگرداندن اجباری مهاجران افغانی از خارج به افغانستان تاثیرگذار باشد.

همین چند ماه پیش بود که حامد کرزی رئیس جمهور سابق افغانستان به آلمان سفر کرد و در جریان سفرش از مهاجران افغان در این کشور خواست به کشورشان برگردند.

### وضع امنیتی

تا همین چند وقت قبل کلان شهرهای افغانستان "جزیره های امنیت" بودند، اما حالا حتی در کابل پایتخت این کشور و جایی که اسپنتا زندگی می کند نیز بمبگذاری، انتحاری و حملات افزایش یافته اند. وضع همواره در افغانستان خطرناک تر می شود، همواره درگیری های بیشتری صورت می گیرد و دولت هر روز کنترلش را بر مناطق روستایی بیشتر از دست می دهد.

علاوه بر این بحران اقتصادی و کاهش ۵۰ درصدی سرمایه گذاری باعث افزایش بیکاری شده است. اسپنتا که وزیر خارجه سابق و مشاور امنیت ملی کرزی بود نیز نصف روز در خانه اش برق ندارد؛ همه این مسائل باعث می شود که مردم از این کشور فرار کنند.

وزیر خارجه سابق افغانستان از دونالد ترامپ رئیس جمهور تازه انتخاب شده ایالات متحده امریکا خواست که پاکستان همسایه افغانستان را متقاعد کند که از تروریسم به عنوان ابزار سیاسی استفاده نکند؛ در غیر آن همه مشکلات همچنان در افغانستان پابرجا خواهند ماند.